

کتاب زکریا

بازگشت به سوی خداوند

۱ در ماه هشتم از سال دوم داریوش، کلام خداوند بر زکریا پسر برکتیا پسر عدوی نبی نازل شده، گفت: ^۲ «خداوند بر پدران شما بسیار غضبناک بود. ^۳ پس به ایشان بگو: یهوه صبايوت چنین می گوید به سوی من بازگشت کنید. قول یهوه صبايوت این است. و یهوه صبايوت می گوید: من به سوی شما رجوع خواهم نمود. ^۴ شما مثل پدران خود مباشید که انبیا گذشته ایشان را ندا کرده، گفتند یهوه صبايوت چنین می گوید از راه های زشت خود و از اعمال بد خویش بازگشت نمایید، اما خداوند می گوید که ایشان نشنیدند و به من گوش ندادند. ^۵ پدران شما کجا هستند و آیا انبیا همیشه زنده می مانند؟ ^۶ اما کلام و فرایض من که به بندگان خود انبیا امر فرموده بودم، آیا پدران شما را در نگرفت؟ و چون ایشان بازگشت نمودند، گفتند چنانکه یهوه صبايوت قصد نمود که موافق راهها و اعمال ما به ما عمل نماید همچنان به ما عمل نموده است.»

مردی در میان درختان آس

^۷ در روز بیست و چهارم ماه یازدهم که ماه شباط باشد، از سال دوم داریوش، کلام خداوند بر زکریا پسر برکتیا پسر عدوی نبی نازل شده، گفت: ^۸ در وقت شب دیدم که اینک مردی بر

اسب سرخ سوار بود و در میان درختان آس که در وادی بود ایستاده و در عقب او اسبان سرخ و زرد و سفید بود. ^۹ و گفتم: «ای آقایم اینها چیستند؟» و فرشته ای که با من تکلم می نمود، مرا گفت: «من تو را نشان می دهم که اینها چیستند.»

^{۱۰} پس آن مرد که در میان درختان آس ایستاده بود، جواب داد و گفت: «اینها کسانی می باشند که خداوند ایشان را برای تردّد نمودن در جهان فرستاده است.» ^{۱۱} و ایشان به فرشته یهوه که در میان درختان آس ایستاده بود جواب داده، گفتند: «ما در جهان تردّد نموده ایم و اینک تمامی جهان در استراحت و آرام است.» ^{۱۲} و فرشته یهوه جواب داد، گفت: «ای یهوه صبايوت تا به کی بر اورشلیم و شهرهای یهودا که در این هفتاد سال غضبناک می بودی رحمت نخواهی نمود؟» ^{۱۳} و خداوند با سخنان نیکو و کلام تسلی آمیز آن فرشته ای را که با من تکلم می نمود جواب داد.

^{۱۴} پس فرشته ای که با من تکلم می نمود مرا گفت: «ندا کرده بگو یهوه صبايوت چنین می گوید: درباره اورشلیم و صهيون غیرت عظیمی داشتم. ^{۱۵} و بر امت های مطمئن سخت غضبناک شدم زیرا که اندک غضبناک می بودم اما ایشان بلا را زیاده کردند. ^{۱۶} بنابراین خداوند چنین می گوید: به اورشلیم با رحمت ها رجوع خواهم نمود و خانه من در آن بنا خواهد شد.»

بیرون آمده،^۴ وی را گفت: «بشتاب و این جوان را خطاب کرده، بگو: اورشلیم به سبب کثرت مردمان و چهار پایانی که در اندرونش خواهند بود، مثل دهات بی حصار مسکون خواهد شد. و خداوند می گوید که من به اطرافش دیواری آتشین خواهم بود و در اندرونش جلال خواهم بود.^۶ هان، هان خداوند می گوید از زمین شمال بگریزید زیرا که شما را مثل چهار باد آسمان پراکنده ساخته‌ام. قول خداوند این است.^۷ هان ای صهیون که با دختر بابل ساکن هستی، خویشان را رستگار ساز.^۸ زیرا یهوه صباوت که مرا بعد از جلال نزد امت‌هایی که شما را غارت کردند فرستاده است، چنین می گوید که هر که شما را لمس نماید مردمک چشم او را لمس نموده است.

^۹ «زیرا اینک من دست خود را بر ایشان خواهم افشانم و ایشان غارت بندگان خودشان خواهند شد و شما خواهید دانست که یهوه صباوت مرا فرستاده است.^{۱۰} ای دختر صهیون ترنم نما و شادی کن زیرا خداوند می گوید که اینک می آیم و در میان تو ساکن خواهم شد.^{۱۱} و در آن روز امت‌های بسیار به خداوند پیوسته، قوم من خواهند شد و من در میان تو سکنی خواهم گرفت و خواهی دانست که یهوه صباوت مرا نزد تو فرستاده است.^{۱۲} و خداوند یهودا را در زمین مقدس برای ملک خود به تصرف خواهد آورد و اورشلیم را بار دیگر خواهد برگزید.^{۱۳} ای تمامی بشر به حضور خداوند خاموش باشید زیرا که او از مسکن مقدس خود برخاسته است.»

قول یهوه صباوت این است و ریسمانکاری بر اورشلیم کشیده خواهد شد.^{۱۷} بار دیگر ندا کرده، بگو که یهوه صباوت چنین می گوید: شهرهای من بار دیگر به سعادت‌مندی لبریز خواهد شد و خداوند صهیون را باز تسلی خواهد داد و اورشلیم را بار دیگر خواهد برگزید.»

چهار شاخ

^{۱۸} پس چشمان خود را برافراشته، نگرستم و اینک چهار شاخ بود.^{۱۹} و به فرشته‌ای که با من تکلم می نمود گفتم: «اینها چیستند؟» او مرا گفت: «اینها شاخها می باشند که یهودا و اسرائیل و اورشلیم را پراکنده ساخته‌اند.»^{۲۰} و خداوند چهار آهنگر به من نشان داد.^{۲۱} و گفتم: «اینان برای چه کار می آیند؟» او در جواب گفت: «آنها شاخها می باشند که یهودا را چنان پراکنده نموده‌اند که احدی سر خود را بلند نمی تواند کرد. و اینها می آیند تا آنها را بترسانند و شاخهای امت‌هایی را که شاخ خود را بر زمین یهودا برافراشته، آن را پراکنده ساخته‌اند بیرون افکنند.»

مردی با ریسمانکاری

۲ و چشمان خود را برافراشته، نگرستم و مردی که ریسمانکاری به دست خود داشت دیدم.^۲ و گفتم که «کجا می روی؟» او مرا گفت: «به جهت پیمودن اورشلیم تا ببینم عرضش چه و طولش چه می باشد.»^۳ و اینک فرشته‌ای که با من تکلم می نمود بیرون رفت و فرشته دیگر برای ملاقات وی

لباس فاخر یهوشع

۳ و یهوشع رئیس کهنه را به من نشان داد که به حضور فرشته خداوند ایستاده بود و شیطان به دست راست وی ایستاده، تا با او پیکار نماید. ۲ و خداوند به شیطان گفت: «ای شیطان خداوند تو را نهیب نماید! خداوند که اورشلیم را برگزیده است تو را نهیب نماید. آیا این نیم سوزی نیست که از میان آتش ربوده شده است؟» ۳ و یهوشع به لباس پلید ملبَس بود و به حضور فرشته ایستاده بود. ۴ و آنانی را که به حضور وی ایستاده بودند خطاب کرده، گفت: «لباس پلید را از برش بیرون کنید.» و او را گفت: «ببین عصیان را از تو بیرون کردم و لباس فاخر به تو پوشانیدم.» ۵ و من گفتم که عمامه طاهر بر سرش بگذارند. پس عمامه طاهر بر سرش گذاردند و او را به لباس پوشانیدند و فرشته خداوند ایستاده بود.

۶ و فرشته خداوند یهوشع را اعلام نموده، گفت: ۷ «یهوه صبايوت چنین می فرماید: اگر به طریق های من سلوک نمایی و دیعت مرا نگاه داری تو نیز خانه مرا داوری خواهی نمود و صحن های مرا محافظت خواهی کرد و تو را در میان آنانی که نزد من می ایستند بار خواهم داد. ۸ پس ای یهوشع رئیس کهنه بشنو تو و رفقاییت که به حضور تو می نشینند، زیرا که ایشان مردان علامت هستند. (بشنوید) زیرا که اینک من بنده خود، شاخه را خواهم آورد. ۹ و همانا آن سنگی که به حضور یهوشع می گذارم، بر یک سنگ هفت چشم می باشد. اینک یهوه صبايوت می گوید که من نقش آن را رقم خواهم کرد و

عصیان این زمین را در یک روز رفع خواهم نمود. ۱۰ و یهوه صبايوت می گوید که هر کدام از شما همسایه خود را زیر تاك و زیر انجیر خویش دعوت خواهید نمود.»

شمعدان طلا و درختان زیتون

۴ و فرشته ای که با من تکلم می نمود، برگشته، مرا مثل شخصی که از خواب بیدار شود بیدار کرد، ۲ و به من گفت: «چه چیز می بینی؟» گفتم: «نظر کردم و اینک شمعدانی که تمامش طلاست و روغندانش بر سرش و هفت چراغش بر آن است و هر چراغ که بر سرش می باشد هفت لوله دارد. ۳ و به پهلوی آن دو درخت زیتون که یکی به طرف راست روغندان و دیگری به طرف چپش می باشد.» ۴ و من توجه نموده، فرشته ای را که با من تکلم می نمود خطاب کرده، گفتم: «ای آقایم اینها چه می باشد؟» ۵ و فرشته ای که با من تکلم می نمود مرا جواب داد و گفت: «آیا نمی دانی که اینها چیست؟» گفتم: «نه ای آقایم.»

۶ او در جواب من گفت: «این است کلامی که خداوند به زربابل می گوید: نه به قدرت و نه به قوت بلکه به روح من. قول یهوه صبايوت این است. ۷ ای کوه بزرگ تو چیستی؟ در حضور زربابل به همواری مبدل خواهی شد و سنگ سر آن را بیرون خواهد آورد و صدا خواهند زد فیض فیض بر آن باشد.»

۸ و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: ۹ «دستهای زربابل این خانه را بنیاد نهاد و دستهای وی آن را تمام خواهد کرد و خواهی

ساکن شده، آن را با چوب‌هایش و سنگ‌هایش منهدم خواهد ساخت.»

زنی در میان ایفا

۵ پس فرشته‌ای که با من تکلم می‌نمود بیرون آمده، مرا گفت: «چشمان خود را برافراشته ببین که اینکه بیرون می‌رود چیست؟»

۶ گفتم: «این چیست؟» او جواب داد: «این است آن سبدی که بیرون می‌رود و گفت نمایش ایشان در تمامی جهان این است.»

۷ و اینک وزنه‌ای از سرب برداشته شد. و زنی در میان سبد نشسته بود. ۸ و او گفت: «این شرارت است.» پس وی را در میان سبد انداخت و آن سنگ سرب را بر دهنه‌اش نهاد. ۹ پس چشمان خود را برافراشته، نگرستم و اینک دو زن بیرون آمدند و باد در بالهای ایشان بود و بالهای ایشان مثل بالهای لک‌لک بود و سبد را به میان زمین و آسمان برداشتند.

۱۰ پس به فرشته‌ای که با من تکلم می‌نمود گفتم: «اینها سبد را کجا می‌برند؟»

۱۱ او مرا جواب داد: «تا خانه‌ای در زمین شیعار برای وی بنا نمایند و چون آن مهیا شود آنگاه او در آنجا بر پایه خود بر قرار خواهد شد.»

چهار ارابه

۶ و بار دیگر چشمان خود را برافراشته، نگرستم و اینک چهار ارابه از میان دو کوه بیرون می‌رفت و کوه‌ها، کوه‌های مسین بود. ۲ در ارابه اول اسبان سرخ و در ارابه دوم اسبان سیاه، ۳ و در ارابه سوم اسبان سفید و در ارابه

دانست که یهوه صبايوت مرا نزد شما فرستاده است. ۱۰ زیرا کیست که روز امور کوچک را خوار شمارد زیرا که این هفت مسرور خواهند شد حینی که شاقول را در دست زربابل می‌بینند. و اینها چشمان خداوند هستند که در تمامی جهان تردد می‌نمایند.»

۱۱ پس من او را خطاب کرده، گفتم: «این دو درخت زیتون که به طرف راست و به طرف چپ شمعدان هستند چه می‌باشند؟»

۱۲ و بار دیگر او را خطاب کرده، گفتم که «این دو شاخه زیتون به پهلوی دو لوله زربانی که روغن طلا را از خود می‌ریزد چیستند؟»

۱۳ او مرا جواب داده، گفت: «آیا نمی‌دانی که اینها چیستند؟» گفتم: «نه ای آقایم.» ۱۴ گفتم: «اینها پسران روغن زیت می‌باشند که نزد مالک تمامی جهان می‌ایستند.»

طومار پیران

۵ و باز چشمان خود را برافراشته، نگرستم و طوماری پیران دیدم. ۲ و او مرا گفت: «چه چیز می‌بینی؟» گفتم: «طوماری پیران می‌بینم که طولش بیست ذراع و عرضش ده ذراع می‌باشد.» ۳ او مرا گفت: «این است آن لعنتی که بر روی تمامی جهان بیرون می‌رود، زیرا که از این طرف هر دزد موافق آن منقطع خواهد شد و از آن طرف هر که سوگند خورد موافق آن منقطع خواهد گردید. ۴ یهوه صبايوت می‌گوید: من آن را بیرون خواهم فرستاد و به خانه دزد و به خانه هر که به اسم من قسم دروغ خورد داخل خواهد شد و در میان خانه‌اش

در میان هر دو ایشان خواهد بود. ۱۴ و آن تاج برای حَالَم و طُوبِيَا و يَدْعِيَا و حِينِ پسر صَفْنِيَا به جهت یادگاری در هیکل خداوند خواهد بود. ۱۵ و آنانی که دورند خواهند آمد و در هیکل خداوند بنا خواهند نمود و خواهید دانست که يَهُوَه صبايوت مرا نزد شما فرستاده است. و اگر قسول يَهُوَه خدای خویش را بکلی اطاعت نمایید این واقع خواهد شد.»

برتری لطف و احسان بر روزه

و در سال چهارم داریوش پادشاه واقع شد که کلام خداوند در روز چهارم ماه نهم که ماه کِسَلُو باشد بر زکریا نازل شد. ۲ و اهل بیت ثیل یعنی شَرَاَصَر و رَجِم مَلک و کسان ایشان فرستاده بودند تا از خداوند مسألت نمایند. ۳ و به کاهنانی که در خانه يَهُوَه صبايوت بودند و به انبیا تکلم نموده، گفتند: «آیا در ماه پنجم می باید که من گریه کنم و زهد ورزم چنانکه در این سالها کردم؟»

۴ پس کلام يَهُوَه صبايوت به من نازل شده، گفت: ۵ «تمامی قوم زمین و کاهنان را خطاب کرده، بگو: چون در این هفتاد سال در ماه پنجم و ماه هفتم روزه داشتید و نوحه گری نمودید، آیا برای من هرگز روزه می داشتید؟ ۶ و چون می خورید و چون می نوشید، آیا به جهت خود نمی خوردید و برای خود نمی نوشید؟ ۷ آیا کلامی را که خداوند به واسطه انبیای گذشته ندا کرد، هنگامی که اورشلیم مسکون و امن می بود و شهرهای مجاورش و جنوب و هامون مسکون می بود (نمی دانید؟)»

چهارم اسبان ابلق قوی بود. ۴ و فرشته را که با من تکلم می نمود خطاب کرده، گفتم: «ای آقایم اینها چیستند؟» ۵ فرشته در جواب من گفت: «اینها چهار روح افلاک می باشند که از ایستادن به حضور مالک تمامی جهان بیرون می روند. ۶ اما آنکه اسبان سیاه را دارد، اینها به سوی زمین شمال بیرون می روند و اسبان سفید در عقب آنها بیرون می روند و ابلقها به زمین جنوب بیرون می روند.» ۷ و آن اسبان قوی بیرون رفته، آرزو دارند که بروند و در جهان گردش نمایند؛ و او گفت: «بروید و در جهان گردش نمایید.» پس در جهان گردش کردند. ۸ و او به من ندا در داد و مرا خطاب کرده، گفت: «بین آنهایی که به زمین شمال بیرون رفته اند، خشم مرا در زمین شمال فرو نشانیدند.»

تاج یهوشع

۹ و کلام خداوند به من نازل شده، گفت: ۱۰ «از اسیران یعنی از خلدای و طُوبِيَا و يَدْعِيَا که از بابل آمده اند بگیر و در همان روز بیا و به خانه یوشیا پسر صَفْنِيَا داخل شو. ۱۱ پس نقره و طلا بگیر و تاجی ساخته، آن را بر سر يَهُوَشَع پسر یهو صادق رئیس کهنه بگذار. ۱۲ و او را خطاب کرده، بگو: يَهُوَه صبايوت چنین می فرماید و می گوید: اینک مردی که به شاخه مسمی است و از مکان خود خواهد روید و هیکل خداوند را بنا خواهد نمود. ۱۳ پس او هیکل خداوند را بنا خواهد نمود و جلال را متحمل خواهد شد و بر کرسی او جلوس نموده، حکمرانی خواهد کرد و بر کرسی او کاهن خواهد بود و مشورت صلح

۸ و کلام خداوند بر زکریا نازل شده، گفت: «يَهُوه صبايوت امر فرموده، چنین می گوید: به راستی داوری نماید و با یکدیگر احسان و لطف معمول دارید. ۱۰ و بر بیوه زنان و یتیمان و غریبان و فقیران ظلم ننمایید و در دل‌های خود بر یکدیگر بدی میندیشید. ۱۱ اما ایشان از گوش گرفتن ابا نمودند و سرکشى کرده، گوش‌های خود را از شنیدن سنگین ساختند. ۱۲ بلکه دل‌های خویش را (مثل) الماس سخت نمودند تا شریعت و کلامی را که يَهُوه صبايوت به روح خود به واسطه انبیای گذشته فرستاده بود نشنوند، بنابراین خشم عظیمی از جانب يَهُوه صبايوت صادر شد. ۱۳ پس واقع خواهد شد چنانکه او ندا کرد و ایشان نشنیدند، همچنان يَهُوه صبايوت می گوید ایشان فریاد خواهند برآورد و من نخواهم شنید. ۱۴ و ایشان را بر روی تمامی امت‌هایی که نشناخته بودند، به گردباد پراکنده خواهم ساخت و زمین در عقب ایشان چنان ویران خواهد شد که کسی در آن عبور و تردّد نخواهد کرد. پس زمین مرغوب را ویران ساخته‌اند.»

وعده برکت اورشلیم

۷ «يَهُوه صبايوت چنین می گوید: اینک من قوم خود را از زمین مشرق و از زمین مغرب آفتاب خواهم رها کنید. ۸ و ایشان را خواهم آورد که در اورشلیم سکونت نمایند و ایشان قوم من خواهند بود و من به راستی و عدالت خدای ایشان خواهم بود. ۹ يَهُوه صبايوت چنین می گوید: دست‌های شما قوی شود، ای کسانی که در این ایام این کلام را از زبان انبیا شنیدید که آن در روزی که بنیاد خانه يَهُوه صبايوت را برای بنا نمودن هیکل نهادند، واقع شد. ۱۰ زیرا قبل از این ایام مزدی برای انسان نبود و نه مزدی به جهت حیوان؛ و به سبب دشمن برای هر که خروج و دخول می کرد هیچ صلح نبود و من همه کسان را به ضد یکدیگر وا داشتم. ۱۱ اما الآن يَهُوه صبايوت می گوید: من برای بقیه این قوم مثل ایام سابق نخواهم بود. ۱۲ زیرا که زرع صلح خواهد بود و تاک میوه خود را خواهد داد و زمین محصول خود را خواهد آورد و آسمان شبنم خویش را خواهد بخشید و من بقیه این قوم را مالک جمیع این چیزها خواهم گردانید.

۸ و کلام يَهُوه صبايوت بر من نازل شده، گفت: ۲ «يَهُوه صبايوت چنین می فرماید: برای صهیون غیرت عظیمی دارم و با غضب سخت برایش غیور هستم. ۳ خداوند چنین می گوید: به صهیون مراجعت نموده‌ام و در میان اورشلیم ساکن خواهم شد و اورشلیم به شهر حق و کوه يَهُوه صبايوت به کوه مقدّس

خداوند مسألت نمایند. ۲۳ یَهُوه صبايوت چنین می‌گوید در آن روزها ده نفر از همهٔ زبانهای اَمّت‌ها به دامن شخص یهودی چنگ زده، متمسک خواهند شد و خواهند گفت همراه شما می‌آیم زیرا شنیده‌ایم که خدا با شما است.»

داوری بر دشمنان اسرائیل

داوری بر دشمنان اسرائیل و خی کلام ۹ خداوند بر زمین حدراخ (نازل می‌شود) و دمشق محل آن می‌باشد، زیرا که نظر انسان و نظر تمامی اسباط اسرائیل به سوی خداوند است.

۲ و بر حَمات نیز که مجاور آن است و بر صور و صیدون اگر چه بسیار دانشمند می‌باشد. ۳ و صور برای خود دژی استوار ساخت و نقره را مثل غبار و طلا را مانند گل کوجها انباشت.

۴ اینک خداوند او را اخراج خواهد کرد و قوتش را که در دریا می‌باشد، تلف خواهد ساخت و خودش به آتش سوخته خواهد شد. ۵ اشقلون چون این را ببند خواهد رسید و غزه بسیار دردناک خواهد شد و عقرون نیز زیرا که اعتماد او خجل خواهد گردید و پادشاه از غزه هلاک خواهد شد و اشقلون مسکون نخواهد گشت.

۶ و حرام‌زاده‌ای در اشدود جلوس خواهد نمود و حشمت فلسطینیان را منقطع خواهد ساخت.

۷ و خون او را از دهانش بیرون خواهم آورد و مکروهاتش را از میان دندانهایش؛ و بقیهٔ او

۱۳ و واقع خواهد شد چنانکه شما ای خاندان یهودا و ای خاندان اسرائیل در میان اَمّت‌ها (مورد) لعنت شده‌اید، همچنان شما را نجات خواهم داد تا (مورد) برکت بشوید؛ پس مترسید و دستهای شما قوی باشد. ۱۴ زیرا که یَهُوه صبايوت چنین می‌گوید: چنانکه قصد نمودم که به شما بدی برسانم حینی که پدران شما خشم مرا به هیجان آوردند و یَهُوه صبايوت می‌گوید که از آن پشیمان نشدم. ۱۵ همچنین در این روزها رجوع نموده، قصد خواهم نمود که به اورشلیم و خاندان یهودا احسان نمایم. پس ترسان مباشید. ۱۶ و این است کارهایی که باید بکنید: با یکدیگر راست گوید و در دروازه‌های خود انصاف و داوری صلح را اجرا دارید. ۱۷ و در دل‌های خود برای یکدیگر بدی میندیشید و قَسَم دروغ را دوست مدارید، زیرا خداوند می‌گوید از همهٔ این کارها نفرت دارم.»

۱۸ و کلام یَهُوه صبايوت بر من نازل شده، گفت: ۱۹ «یَهُوه صبايوت چنین می‌گوید: روزهٔ ماه چهارم و روزهٔ ماه پنجم و روزهٔ ماه هفتم و روزهٔ ماه دهم برای خاندان یهودا به شادمانی و سرور و عیدهای خوش مبدل خواهد شد. پس راستی و صلح را دوست بدارید. ۲۰ یَهُوه صبايوت چنین می‌گوید: بار دیگر واقع خواهد شد که قوم‌ها و ساکنان شهرهای بسیار خواهند آمد. ۲۱ و ساکنان یک شهر به شهر دیگر رفته، خواهند گفت: بیایید برویم تا از خداوند مسألت نمایم و یَهُوه صبايوت را بطلبیم و من نیز خواهم آمد. ۲۲ و قوم‌های بسیار و اَمّت‌های عظیم خواهند آمد تا یَهُوه صبايوت در ر اورشلیم بطلبند و از

ظهور خداوند

۱۴ و خداوند بالای ایشان ظاهر خواهد شد و تیر او مانند برق خواهد جست و خداوند یهوه شیپور را نواخته، بر گردبادهای جنوبی خواهد تاخت.

۱۵ یهوه صباپوت ایشان را حمایت خواهد کرد و ایشان غذا خورده، سنگهای فلاخن را پایمال خواهند کرد و نوشیده، مثل از شراب نعره خواهند زد و مثل جامها و مانند گوشه‌های مذبح پر خواهند شد.

۱۶ و یهوه خدای ایشان ایشان را در آن روز مثل گوسفندان قوم خود خواهد رهانید زیرا که مانند جواهر تاج بر زمین او خواهند درخشید. ۱۷ زیرا که حسن و زیبایی او چه قدر عظیم است. گندم جوانان را و عصیر انگور، دوشیزگان را خرم خواهد ساخت.

نقذ از یهودا

باران را در موسم باران آخر از خداوند بطلبید. از خداوند که برقها را می‌سازد و او به ایشان باران فراوان هر کس در زمینش گیاه خواهد بخشید.

۲ زیرا که ترافیم سخن باطل می‌گویند و فالگیران رؤیاهای دروغ می‌بینند و خوابهای باطل بیان می‌کنند و تسلی بیهوده می‌دهند، از این جهت مثل گوسفندان آواره می‌باشند و از نبودن شبان ذلیل می‌گردند.

۳ خشم من بر شبانان مشتعل شده است و به بزهای نر عقوبت خواهم رسانید زیرا که یهوه صباپوت از گله خود یعنی از خاندان یهودا

نیز به جهت خدای ما خواهد بود و خودش مثل امیری در یهودا و عقرئون مانند ییوسی خواهد شد.

۸ و من گرداگرد خانه خود به ضد لشکر اُردو خواهم زد تا کسی از آن عبور و مرور نکند و ظالم بار دیگر از میان آنها گذر نخواهد کرد زیرا که حال به چشمان خود مشاهده نموده‌ام.

وعده پادشاهان صهیون

۹ ای دختر صهیون بسیار وجد بنما و ای دختر اورشلیم آواز شادمانی بده! اینک پادشاه تو نزد تو می‌آید. او عادل و صاحب نجات و بردبار می‌باشد و بر الاغ و بر کُرّه الاغ سوار است.

۱۰ و من ارابه را از افرایم و اسب را از اورشلیم منقطع خواهم ساخت و کمان جنگی شکسته خواهد شد و او با آمت‌ها در صلح تکلم خواهد نمود و سلطنت او از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای زمین خواهد بود.

۱۱ و اما من اسیران تو را نیز به واسطه خون عهد تو از چاهی که در آن آب نیست رها کردم. ۱۲ ای اسیران امید، به دژ استوار مراجعت نمایید. امروز نیز خبر می‌دهم که به شما (نصیب) مضاعف رد خواهم نمود.

۱۳ زیرا که یهودا را برای خود زه خواهم کرد و افرایم را تیرکمان خواهم ساخت و پسران تو را ای صهیون به ضد پسران تو ای یاوران خواهم برانگیخت و تو را مثل شمشیر جبار خواهم گردانید.

۱۱ و او از دریای مصیبت عبور نموده، امواج دریا را خواهد زد و همه زُرفیهای نهر خشک خواهد شد و حشمت آشور زایل خواهد گردید و عصای مصر نیست خواهد شد.

۱۲ و ایشان را در خداوند قوی خواهیم ساخت و در نام او سالک خواهند شد. قول خداوند این است.

۱۱ ای لبنان درهای خود را باز کن تا آتش، سروهای آزاد تو را بسوزاند.

۲ ای صنوبر و لوله نما زیرا که سرو آزاد افتاده است (و درختان) بلند خراب شده. ای بلوطهای باشان و لوله نمایید زیرا که جنگل استوار افتاده است.

۳ صدای و لوله شبانان است زیرا که جلال ایشان خراب شده؛ صدای غرش شیران ژیان است زیرا که شوکت اُردن ویران گردیده است.

دو شبان

۴ یهوه خدای من چنین می فرماید که گوسفندان ذبح را بچران^۵ که خریداران ایشان آنها را ذبح می نمایند و مجرم شمرده نمی شوند و فروشنندگان ایشان می گویند: خداوند متبارک باد زیرا که دولت مند شده ایم. و شبانان آنها برایشان شفقت ندارند. زیرا خداوند می گوید: بر ساکنان این زمین بار دیگر ترحم نخواهم نمود و اینک من هر کس از مردمان را به دست همسایه اش و به دست پادشاهش تسلیم خواهم نمود و زمین را ویران خواهند ساخت و از دست ایشان رهایی نخواهم بخشید.^۷ پس من گله ذبح یعنی ضعیف ترین گله را چرانیدم و دو عصا

تفقد خواهد نمود و ایشان را مثل اسب جنگی جلال خود خواهد گردانید.

۴ از او سنگ زاویه و از او میخ و از او کمان جنگی و از او همه ستمکاران با هم بیرون می آیند.

۵ و ایشان مثل جباران (دشمنان خود را) در گِل کوجه ها در عرصه جنگ پایمال خواهند کرد و جنگ خواهند نمود زیرا خداوند با ایشان است و اسب سواران خجل خواهند گردید.

۶ و من خاندان یهودا را تقویت خواهم کرد و خاندان یوسف را خواهم رهانید و ایشان را به امنیت ساکن خواهم گردانید، زیرا که بر ایشان رحمت دارم و چنان خواهند بود که گویا ایشان را ترک نموده بودم، زیرا یهوه خدای ایشان من هستم؛ پس ایشان را اجابت خواهم نمود.

۷ و بنی افرایم مثل جباران شده، دل ایشان گویا از شراب مسرور خواهد شد و پسران ایشان چون این را ببینند، شادی خواهند نمود و دل ایشان در خداوند وجد خواهد کرد.

۸ و ایشان را صدا زده، جمع خواهم کرد زیرا که ایشان را فدیة داده ام و افزوده خواهند شد، چنانکه در قبل افزوده شده بودند.

۹ و ایشان را در میان قومها خواهم کاشت و مرا در مکانهای بعید به یاد خواهند آورد و با پسران خود زیست نموده، مراجعت خواهند کرد.

۱۰ و ایشان را از زمین مصر باز خواهم آورد و از آشور جمع خواهم نمود و به زمین جلعاد و لبنان داخل خواهم ساخت و آن گنجایش ایشان را نخواهد داشت.

خواهد شد و چشم راستش بکلی تار خواهد گردید.»

نابودی دشمنان اورشلیم

وَحَىٰ كَلَامِ خَدَاوَنَدِ دَرِبَارَةُ اسْرَائِيلِ. **۱۲** قول خداوند است که آسمانها را گسترانید و بنیاد زمین را نهاد و روح انسان را در اندرون او ساخت. ^۲ اینک من اورشلیم را برای جمیع قوم‌های مجاورش کاسه سرگیجه‌آور خواهم ساخت و این بر یهودا نیز حینی که اورشلیم را محاصره می‌کنند خواهد شد. ^۳ و در آن روز، اورشلیم را برای جمیع قوم‌ها سنگی گران‌بار خواهم ساخت و همه کسانی که آن را بر خود بار کنند، سخت مجروح خواهند شد و جمیع امت‌های جهان به ضد او جمع خواهند گردید. ^۴ خداوند می‌گوید در آن روز من همه اسبان را به حیرت و سواران آنها را به جنون مبتلا خواهم ساخت. و چشمان خود را بر خاندان یهودا باز نموده، همه اسبان قوم‌ها را به کوری مبتلا خواهم کرد. ^۵ و سروران یهودا در دل خود خواهند گفت که ساکنان اورشلیم در خدای خود یهوه صباوت قوت من می‌باشند. ^۶ در آن روز سروران یهودا را مثل آتش‌دانی در میان هیزم و مانند شعله آتش در میان باقه‌ها خواهم گردانید و همه قوم‌های مجاور خویش را از طرف راست و چپ خواهند سوزانید و اورشلیم بار دیگر در مکان خود یعنی در اورشلیم مسکون خواهد شد. ^۷ و خداوند خیمه‌های یهودا را اول خواهد رهانید تا حشمت خاندان داود و حشمت ساکنان اورشلیم بر یهودا فخر ننماید. ^۸ در آن

برای خود گرفتم که یکی از آنها را نغمه نامیدم و دیگری را حبال نام نهادم و گله را چرانیدم. ^۸ و در یک ماه سه شبان را منقطع ساختم و جان من از ایشان بیزار شد و جان ایشان نیز از من منتفر گردید. ^۹ پس گفتم شما را نخواهم چرانید. آنکه مُردنی است بمیرد و آنکه هلاک شدنی است هلاک شود و باقی ماندگان گوشت یکدیگر را بخورند. ^{۱۰} پس عصای خود نغمه را گرفته، آن را شکستم تا عهدی را که با تمامی قوم‌ها بسته بودم شکسته باشم. ^{۱۱} پس در آن روز شکسته شد و آن ضعیف‌ترین گله که منتظر من می‌بودند فهمیدند که این کلام خداوند است. ^{۱۲} و به ایشان گفتم: اگر در نظر شما پسند آید مزد مرا بدهید و الا ندهید. پس به جهت مزد من، سی پاره نقره وزن کردند. ^{۱۳} و خداوند مرا گفت: آن را نزد کوزه‌گر ببنداز، این قیمت گران را که مرا به آن قیمت کردند. پس سی پاره نقره را گرفته، آن را در خانه خداوند نزد کوزه‌گر انداختم. ^{۱۴} و عصای دیگر خود حبال را شکستم تا برادری را که در میان یهودا و اسرائیل بود شکسته باشم.

^{۱۵} و خداوند مرا گفت: «بار دیگر آلات شبان احمق را برای خود بگیر. ^{۱۶} زیرا اینک من شبانی را در این زمین خواهم برانگیخت که از هالکان تفقد نخواهد نمود و گم شدگان را نخواهد طلبید و مجروحان را معالجه نخواهد کرد و ایستادگان را نخواهد پرورد بلکه گوشت فربهان را خواهد خورد و سم‌های آنها را خواهد کُند.

^{۱۷} وای بر شبان باطل که گله را ترک می‌نماید. شمشیر بر بازویش و بر چشم راستش فرود خواهد آمد و بازویش بالکل خشک

آنهارا به یاد نخواهند آورد و انبیا و روح پلید را نیز از زمین دور خواهیم کرد.^۳ و هر که بار دیگر نبوت نماید پدر و مادرش که او را تولید نموده‌اند، وی را خواهند گفت که زنده نخواهی ماند زیرا که به اسم یهوه دروغ می‌گویی. و چون نبوت نماید پدر و مادرش که او را تولید نموده‌اند، وی را عرضه تیغ خواهند ساخت.^۴ و در آن روز هر کدام از آن انبیا چون نبوت می‌کنند، از رؤیاهای خویش خجل خواهند شد و جامه پشمین به جهت فریب دادن خواهند پوشید.^۵ و هر یک خواهد گفت: من نبی نیستم، بلکه زرع کننده زمین می‌باشم زیرا که از طفولیت خود به غلامی فروخته شده‌ام.^۶ و او را خواهند گفت: این جراحات که در دستهای تو می‌باشد چیست؟ و او جواب خواهد داد آنهايي است که در خانه دوستان خویش به آنها مجروح شده‌ام.

شبان و گوسفندان

^۷ یهوه صبايوت می‌گوید: «ای شمشیر به ضد شبان من و به ضد آن مردی که همدوش من است برخیز! شبان را بزن و گوسفندان پراکنده خواهند شد و من دست خود را بر کوچکان خواهم برگردانید.»

^۸ و خداوند می‌گوید که «در تمامی زمین دو قسمت منقطع شده خواهند مُرد و قسمت سوم در آن باقی خواهد ماند.

^۹ و قسمت سوم را از میان آتش خواهم گذرانید و ایشان را مثل قال گذاشتن نقره قال خواهم گذاشت و مثل تصفیه کردن طلا ایشان را تصفیه خواهم نمود و اسم مرا خواهند خواند

روز خداوند ساکنان اورشلیم را حمایت خواهد نمود و ضعیف‌ترین ایشان در آن روز مثل داود خواهد بود و خاندان داود مانند خدا مثل فرشته خداوند در حضور ایشان خواهند بود.^۹ و در آن روز قصد هلاک نمودن جمیع امت‌هایی که به ضد اورشلیم می‌آیند، خواهم نمود.

نوحه برای نیزه خورده

^{۱۰} و بر خاندان داود و بر ساکنان اورشلیم روح فیض و تضرعات را خواهم ریخت و بر من که نیزه زده‌اند خواهند نگریست و برای من مثل نوحه‌گری برای پسر یگانه خود، نوحه‌گری خواهند نمود و مانند کسی که برای نخست‌زاده خویش ماتم گیرد، برای من ماتم تلخ خواهند گرفت.^{۱۱} در آن روز، ماتم عظیمی مانند ماتم هَدَدِرْمُون در همواری مَجِدُون در اورشلیم خواهد بود.^{۱۲} و اهل زمین ماتم خواهند گرفت هر قبیله جدا، قبیله خاندان داود جدا، و زنان ایشان جدا، قبیله خاندان ناتان جدا، و زنان ایشان جدا.^{۱۳} قبیله خاندان لای جدا، و زنان ایشان جدا، و جمیع قبایلی که باقی مانده باشند هر قبیله جدا، و زنان ایشان جدا.

طهارت گناه

در آن روز برای خاندان داود و ساکنان اورشلیم چشمه‌ای به جهت گناه و نجاست مفتوح خواهد شد.^۲ و یهوه صبايوت می‌گوید در آن روز نامهای بتها را از روی زمین منقطع خواهم ساخت که بار دیگر